

برگزاری مسابقات قرآن کریم در شارجه به صورت آنلاین

این روزها که بسیاری از پدیده‌ها در جهان در حال آنلاین شدن هستند، هیات اوقاف و شیوونات اسلامی شارجه هم در گزارشی اعلام کرده برای نخستین بار مسابقات قرآن کریم را به صورت آنلاین برگزار می‌کند. این مسابقات که اکنون به صورت راه دور در حال برگزاری است، از دو شب پیش فعالیت خود را

در سه بخش قرائت، حفظ و تفسیر با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. احتمالاً به زودی این روند به دیگر کشورهای اسلامی هم خواهد رسید و برگزاری آنلاین مسابقات جهانی قرآن پدیده تازه‌ای خواهد بود که در دوران شیوع کرونا آغاز شده است. / ایسنا

مروری بر تغییرات سبک زندگی مردم در ماه رمضان

تغییراتی که از گذشته نه چندان دور با ماه رمضان به زندگی مردم می‌آمده است

شب‌های روشن

🔍 ماه رمضان که از راه می‌رسید، سبک زندگی آدم‌ها عوض می‌شد، خوب بودند می‌خواستند خوب‌تر شوند و خوب نبودند هم تلاش می‌کردند برای اینکه لااقل در ماه مهمانی خدا به آدم‌های بهتری بدل شوند. اصلاً سیاه و سفید نپینیم آدمیزاد را و برویم سراغ همین که همه‌هر چه که بودند، با همه خوبی‌ها و بدی‌هایشان تلاش می‌کردند برای بهتر بودن. برای اینکه همین یک ماهی که قرار است اندرون از طعام خالی دارند، از بدی‌ها، کینه‌ها و قهرها و خلاصه از هر بدی دیگری فاصله بگیرند. با دوست و همسایه مهربان‌تر باشند و در کسب و کارشان منصف‌تر. خلاصه که همه جوهره تلاش می‌کردند این یک ماه دنیای اطرافشان جای قشنگ‌تری باشد. هر چند حتماً هنوز هم آدم‌ها تلاش می‌کنند تا این یک ماه دنیا را به جای قشنگ‌تری بدل کنند، اما بخواهیم و نخواهیم زندگی‌ها تغییر کرده و در شتاب این روزها دیگر جایی نمی‌ماند تا اندازه گذشته آدم‌ها حواسشان باشد به این تغییرات سبک زندگی و بخواهند آن را به صورت جمعی دنبال کنند.

گروه معارف

سحری خوانی

آن زمان‌ها که رادیو و تلویزیون و این همه مناجات و دعای سحر و ساعت زنگ دار و تلفن و خلاصه خیلی چیزهای دیگر در میان نبوده، مردم فکر می‌کردند باید خیلی هوای هم را داشته باشند که می‌دادا همسایه‌هایشان خواب بمانند و یک روز بی سحری روزه بگیرند. به همین دلیل هم سحری خوان‌ها هنگام سحر توی کوچه‌ها مناجات و شعر و دعا می‌خواندند تا مردم خبر شوند که سحر شده و بیدار شوند. بله خب... خانه‌ها هم آپارتمان‌های چندین طبقه با در و پنجره دو چاره نبوده، اصلاً شهر اینقدر سر و صدا نداشته که آدم‌ها دنبال فرار از صداها باشند. برای همین هم سحری خوان که می‌خوانده خیلی‌ها بیدار می‌شده‌اند. ضمن اینکه سبک زندگی مردم از جهات دیگری هم بسیار با امروز متفاوت بوده است. مثلاً تا همین چند سال پیش هم که رادیو و تلویزیون زندگی آدم‌ها را فتح کرده بودند و مردم از ساعت افطار و سحر باخبر می‌شدند، باز هم همسایه‌های مهربانی بودند که راه بیفتند و زنگ تک تک خانه‌ها را بزنند و بگویند: «سحر خواب نمونی!» جالب است بدانید علاوه بر سحری خوانی در گذشته روزه گیران با شنیدن صدای توپ سحر هم بیدار می‌شدند. خلاصه که در هر دوره‌ای روشی بوده برای این که روزه‌داران سحر برخیزند و فردای آن روز را به علت خواب ماندن به گرسنگی نگذرانند.



رونق بازار

در گذشته نزدیک ماه رمضان بازارها رونق و برو و بیایی پیدا می‌کردند مفصل. چرا؟ چون مردم همه از مدتی قبل ماه رمضان مشغول کار می‌شدند تا توشه مادی یک ماه خود را آماده کنند. خانه را پر از خوراکی کنند و در حد توانشان مایحتاج مصرفی خود را تهیه کنند. چرا؟ معلوم است دیگر. وسط ماه عبادت و روزه داری که نمی‌شده برون دنبال تهیه غذا. باید تا آنجا که می‌توانستند تلاش می‌کردند برای ذخیره وقت برای عبادت.

قدیم ترها عبادت‌های جمعی هم نسبت به امروز خیلی پررنگ تر بوده و آدم‌ها حاضر نبودند این حس عظیم کنار هم دست به سوی آسمان بلند کردن را از دست بدهند. البته بین خودمان بماند دلیل دیگری هم داشته. در گذشته تهیه غذا اندازه امروز آسان نبوده، یخچال و فریزر و خیلی امکاناتی که در زندگی امروز وجود دارد. آن وقت هادر کار نبوده دیگر. گفته می‌شود کسب و کار تهرانی‌های قدیم در ایام ماه رمضان پاک‌تر و پربرکت‌تر می‌شد. اگر چه بعضی از صنوف در این ماه تعطیل یا کم کار می‌شدند. اما در عوض حمام‌ها، قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها و شیرینی‌فروشی‌ها رونق گرفتند. ماه رمضان که از راه می‌رسید. کاسب‌های کم فروش، سنگ‌های قلابی‌شان را به انبار می‌بردند تا وزنه‌های دقیق را برای معامله با مردم مورد استفاده قرار دهند.



یک لقمه نان و خرما

برای تعیین زمان افطار هم شیوه‌های گوناگونی در کار بوده است. شیوه‌هایی که تقریباً مشابه شیوه‌های تعیین سحر بوده است، اما زن‌ها پیش از افطار، مشغول آماده کردن افطاری می‌شدند و وسایل آب گرم و چای و قلیان را هم آماده کردند. دقت بفرمایید قلیان! بر سر سفره افطار دعا‌های مخصوص افطار خوانده می‌شده و با نوشیدن مقداری آب داغ و یا خرما و نان جو روزه خود را می‌گشودند. افطاری معمولاً خوراکی‌های حاضری مثل نان و پنیر و سبزی یا هندوانه و خربزه و امثال اینها که پختنی نیست می‌باشد و سحرها بیشتر پختنی و غذای گرم مثل چلو خورش یا پلو و خورش و غیره است. زنان در هر عصر ماه رمضان، چند قرص نان می‌پختند و در تابستان نیز خوردن شربت، هندوانه و خربزه هنگام افطار در اغلب خانواده‌های ایرانی انجام می‌گرفت. ضمن این‌که نمی‌توان نذری‌های خوش رنگ و لعاب ماه رمضانی مردم را فراموش کرد. شله‌زرد، هلیم و بسیاری نذری‌های دیگر که هر کدام از ابتدای مراحل پخت خود تا پایان توزیع میان مردم شور و حال بسیاری به جامعه می‌بخشید.



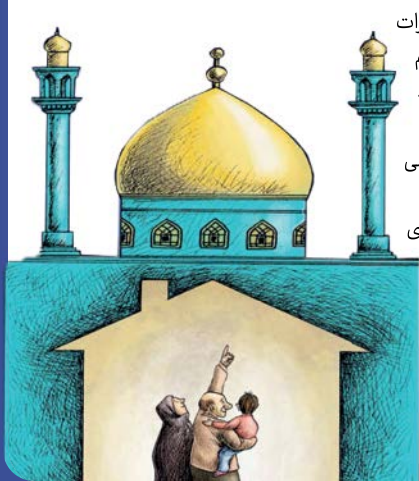
آشتی آشتی حتی به اجبار

آدم‌ها خودشان قهر هم که بودند با آمدن ماه رمضان گذشت می‌کردند و می‌رفتند آشتی. اگر نمی‌رفتند هم پای خیلی‌ها می‌آمد وسط، دوست و آشنا و فامیلی که تلاش می‌کردند تا یک مسلمان با مسلمان دیگر قهر نماند و خدای ناگردد با دل پر از کینه و کدورت نرود پای سفره مهمانی خدا. اصلاً آشتی کتان یک رسم مهم در بسیاری از نقاط ایران بوده، از دل روستاها گرفته تا خود پایتخت، همه هم تلاش می‌کردند تا رعایتش کنند. طبق رسم آشتی کتان، اگر کدورتی بین ۲ نفر و ۲ یا در خانواده بود، با پا در میانی اطرافیان از بین می‌رفت و صلح و صفا برقرار می‌شد، چرا که اعتقاد بر این بود، که با وجود کدورت از دیگری عبادت مقبول نمی‌شود. همچنین در آستانه ماه رمضان، دوستان و آشنایان خانواده‌های عزادار با بردن لباس یا روسری و چارقد توبی برای زنان عزادار و پیراهن برای مردان صاحب عزا، سعی می‌کردند آنها را از عزا در آورند تا بتوانند به وظایفشان در ماه رمضان عمل کنند. ناگفته نماند که در گذشته در هر محله‌ای مردم از حال همدیگر آگاه بودند و چنانچه خانواده‌ای استطاعت مالی نداشت، وسایل راهش را آماده می‌کردند تا با فراغت خاطر به عبادت بپردازد. از دیگر اتفاقات خوب ماه رمضان رفتن به دیدن بیماران بوده است. افراد سعی می‌کردند به ملاقات شخص بیمار رفته و با همه وجود برای سلامتی‌اش دعا کنند.

جمع‌ها در رمضان

تا همین یک دهه پیش هم رسم پرزنگی بود و کمتر مادری را پیدا می‌کردی که از ظهر به بعد ماه رمضان را در جلسه‌های ختم قرآن نگذراند. حالا این که مادرهای امروزی هم همین طورند یا نه را باید بچه‌های امروزی بگویند. اما این رسم طی سال‌ها اتفاق بسیاری مهمی بوده و مجالس ختم قرآن زنانه هر طور که بوده برگزار می‌شده‌اند. مجالس مردانه ختم قرآن هم البته داشته‌ایم، اما چون مرده‌ها طی روز سر کار بودند اغلب در مساجد بعد از نماز صبح یا ظهر و یا عشاء این آیین برگزار می‌شده است. یکی از مراسمی که در گذشته رونق بیشتری داشت و امروز کم و بیش اجرا می‌شود، دیدار از دوستان و آشنایان بعد از افطار است.

در این مجالس افراد فامیل و یا دوستان دور هم جمع می‌شدند و ضمن تناول شب چره با خواندن ابیاتی از دیوان سعدی یا حافظ و یا داستان گویی و اجرای بازی به شب نشینی می‌پرداختند. از جمله در روستای لهران طالقان صاحبخانه با تنقلات یا شب چرور از مهمانان پذیرایی می‌کند و با بازی شبیه گل یا پوچ آنها را سرگرم می‌کند و اگر فصل زمستان باشد، همگی دور کرسی می‌نشینند و از گرمای مطبوع آن لذت می‌برند. مشهور است که در تهران قدیم، روشنایی معابر تنها تا دو ساعت پس از غروب آفتاب ادامه داشت و پس از آن، با نواختن گزمه‌های حکومتی بر طبل‌های شان، شهر در خاموشی فرو می‌رفت، اما به میمنت از راه رسیدن ماه رمضان نه تنها عبور و مرور بعد از غروب آفتاب قطع نمی‌شد بلکه تا طلوع آفتاب ادامه می‌یافت. در آن زمان و تا سال ۱۳۹۷ خورشیدی، چراغ‌های نفتی روشنایی شب‌های رمضان را فراهم می‌کرد. اما از آن تاریخ به بعد با وجود کارخانه میرزا حسین خان قزوینی، تهران روشنایی‌اش را از گاز به دست آورد. این رویه تا زمان مظفرالدین شاه که چهار صد کیلووات برق تولیدی حسین آقا امین الضراب پای اختراع مرحوم ادیسون را به پایتخت قاجار باز کرد همچنان ادامه داشت!



آدم‌ها اجتماعی‌تر بودند و حالا تنهاتر هستند. این را بارها و بارها شنیده‌ایم. وقتی هم خاطرات قدیمی‌ها را می‌شنویم بیشتر ایمان می‌آوریم به این حرف. در گذشته قبل از آغاز این ماه، مردم نواحی گوناگون ایران، شروع می‌کردند به خانه تکانی. انگار که عید نوروز و بهار نزدیک باشد. بهار دل‌ها ماه قرآن بوده و خلاصه آنقدر در دل و جان مردم مهم بوده که برای آغاز مهمانی خدا بخواهند همه چیز را تمیز و مرتب کنند و غبارش را بگیرند. کوچه‌ها هم تمیز می‌شدند. از آب پاشی گرفته تا شست و شو و خلاصه هر اتفاق و کار دیگری که محیط پیرامونشان را جذاب کند. حالا فکر کرده‌اید کار همین جا تمام می‌شده؟ نخیر. بعدش هم می‌رفتند سراغ خانه‌های خدا؛ مساجد. حسابی برق می‌انداختندشان و آماده‌شان می‌کردند برای شب‌های قدر و احیایشان. از غبار روبی خانه و کوچه گرفته تا مساجد یکی پس از دیگری انجام می‌شد و آخرش هم می‌رسیدند به شخص خودشان. می‌رفتند حمام عمومی. حمام‌ها هم به ناگهان رونق می‌گرفتند و آدم‌ها سعی می‌کردند آراسته و پیراسته، برخی هم حنا بسته بروند سراغ ماه مهمانی خدا. این اتفاقات چند روز قبل از ماه رمضان حتماً در فهرست برنامه‌ها بود و انجام می‌شد.